

«شهید آیت الله بهشتی و پیگیری هم زمان مبارزه فرهنگی و سیاسی» در گفت و شنود با حسین مهدیان

بهشتی می گفت؛ فرصتی برای پاسخ دادن به شایعات ندارم!

۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۰:۲۷

حسین مهدیان از مبارزان دیرین انقلاب واز یاران و معاشران قدیمی شهیدان آیت الله بهشتی و آیت الله مطهری به شمار می رود. او در ادوار مختلف، شاهد واکنش های مثبت و منفی شهید بهشتی نسبت به وقایع تاریخی بوده که بیان آنمداخلی بر شناخت شخصیت آن عالم فرزانه است...

درآمد:

حسین مهدیان از مبارزان دیرین انقلاب واز یاران و معاشران قدیمی شهیدان آیت الله بهشتی و آیت الله مطهری به شمار می رود. او در ادوار مختلف، شاهد واکنش های مثبت و منفی شهید بهشتی نسبت به وقایع تاریخی بوده که بیان آنمداخلی بر شناخت شخصیت آن عالم فرزانه است.

مهدیان در گفت و شنود پیش رویا، به بخش هایی از این خاطرات اشاره کرده است.

□ جناب عالی از چه دوره ای با نام و آوازه شهید آیت الله دکتر بهشتی آشنا شدید؟ در آن مقطع، شخصیت ایشان را چگونه یافتید؟

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين از ماجرای انجمن های ایالتی و ولایتی و مخالفت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) با آن لایحه، توسط شهید صادق امانی به مبارزات سیاسی کشیده شدم. در آن دوره جلسات آموزشی سیاری در منازل افراد انقلابی

تشکیل می‌شد و در آن جلسات بود که با شهید آیت الله دکتر بهشتی هم آشنا شدم. شهید بهشتی معتقد بودند بدون همراهی همسران افراد مبارز، نمی‌توان برنامه‌ریزی دقیقی کرد و کار را پیش برد، لذا باید به زنان هم آگاهی سیاسی داد، لذا با مدیریت ایشان، یکی از نزدیکانشان در نزدیکی کرج باغی را خرید و هر جمعه عده‌ای از انقلابیون همراه با زن و فرزند خود به آن باغ می‌رفتند و به این شکل آگاهی سیاسی خانواده‌ها بالا می‌رفت. بعد از انقلاب هم جلسات جامعه روحانیت در همین باغ کمال‌آباد تشکیل می‌شدند.

□ در دوران قبل از انقلاب شهید بهشتی و شهید باهنر توانسته بودند در تدوین کتاب‌های دینی درسی نقش مؤثری ایفا کنند. با توجه به حساسیت رژیم نسبت به روحانیت، به‌خصوص در این‌گونه جایگاه‌های کلیدی، ایشان چگونه توانستند این موقعیت را پیدا کنند؟

شهید بهشتی چندین سال در این باره تلاش کردند و موفق نشدند! تا بالاخره از طریق آقای برقی که با وزیر آموزش و پرورش آشنایی داشت، مسئولین را متقاعد کردند حضور این روحانیون برای رژیم مشکل درست نمی‌کند و آنها فقط مسائل اخلاقی و دینی را در کتاب‌های درسی مطرح خواهند کرد. یک روز من و شهید باهنر در دفتر نشر فرهنگ اسلامی بودیم که شهید بهشتی آمدند و با خوشحالی گفتند: ما از امروز ده میلیون مخاطب پیدا کرده‌ایم! منظورشان ده میلیون دانش‌آموزی بود که آنها می‌توانستند به وسیله کتاب‌های دینی به آنان آموزش بدهند.

□ چگونه؟

با ترویج باورهای صحیح دینی که البته هوشمندی زیادی را می‌طلبید، چون کافی بود رژیم به مقصود اصلی شهید بهشتی و همکارانشان پی ببرد تا این فرصت بی‌نظیر از دست برود. شهید بهشتی عمیقاً معتقد بودند برای اصلاح جامعه باید به تربیت نسل نوجوان و جوان پرداخت. البته دیگران هم در این زمینه فعالیت می‌کردند، ولی هیچ‌کدام، به اندازه نفوذ در آموزش و پرورش مفید نبود.

□ جنابعالی در جریان تأسیس مدرسه رفاه بودید. نقش شهید بهشتی در این رویداد چه بود؟

مدرسه رفاه توسط ایشان و عده دیگری از مبارزین راه افتاد. هدف این بود که تحت پوشش فعالیت‌های آموزشی فعالیت‌های سیاسی انجام شوند. این ایده بسیار مفید و موثر بود و نتایج آن در سال‌های بعد آشکار شدند.

□ هیئت امنای مدرسه چه کسانی بودند؟

شهید باهنر، آقای هاشمی رفسنجانی، شهید رجایی، بنده و چند تن دیگر. خانواده‌های مذهبی فرزندان‌شان را به مدرسه رفاه می‌آوردند تا با مباحث دینی آشنا شوند.

□ ظاهراً ساواک به این مدرسه حساسیت خاصی داشت اینطور نیست؟

همین‌طور است. ساواک کم‌کم متوجه شد تحت پوشش فعالیت‌های این مدرسه، مبارزات سیاسی انجام می‌شود، به همین دلیل غالباً هیئت امنای مدرسه را دستگیر می‌کرد و برای بازپرسی می‌برد! شهید بهشتی در برنامه‌ریزی مدرسه رفاه نقش کلیدی داشتند و برای والدین بچه‌ها، جلساتی را می‌گذاشتند و معتقد بودند باید خانواده‌ها را همراه کرد، وگرنه کارهایمان بی‌اثر خواهند بود.

□ شهید بهشتی در جلسات توجیهی خود، به چه مباحثی بیشتر توجه می‌کردند؟ علاقه ایشان بیشتر در چه حوزه‌ای بود؟

ایشان فوق‌العاده به فلسفه علاقه داشتند و همیشه می‌فرمودند: عاشق فلسفه هستم، ولی خدمت به اسلام، مرا از تحقیق و تفحص در زمینه فلسفه باز داشته است! بسیار آزاداندیش و به‌روز بودند و در روزهایی که حتی عبور یک روحانی از جلوی سینما هم، یک امر عادی نبود، می‌فرمودند: اگر برای دفاع از اسلام لازم باشد جلوی یک سینما بایستم، با لباس شخصی این کار را می‌کنم و اجازه نخواهم داد در زمینه دفاع از اسلام، حتی لباس روحانیت مانعم شود!

□ کما اینکه در اروپا برای سخنرانی همه جا می‌رفتند...

همین‌طور است. این نگاه باعث شده بود در اروپا هر جا از ایشان دعوت می‌شد می‌رفتند و حتی در رستوران و کلیسا هم سخنرانی می‌کردند.

□ نظم، دقت و تقید ایشان به شعائر دینی زبازد خاص و عام است. به خاطرات خود درباره این موضوعات هم اشاره‌ای بفرمایید؟

ایشان نماز اول وقت را به هیچ وجه به تأخیر نمی‌انداختند و در این باره بسیار دقیق و مقید بودند. ایشان حتی جلسات بسیار مهم شورای انقلاب را به محض شنیدن اذان تعطیل می‌کردند. در باره نظم و دقت ایشان باید اشاره کنم که یک دفتر یادداشت کوچک داشتند که تمام قرار ملاقات‌هایشان را با دقت در آن ثبت می‌کردند. همیشه خودشان سر وقت و دقیق در محل ملاقات حاضر می‌شدند و اگر کسی بهانه‌ای برای علت تأخیرش می‌آورد، ابداً نمی‌پذیرفتند. همیشه می‌فرمودند: حساب همه اتفاقات از جمله ترافیک راهم باید بکنید!

□ با همسر و فرزندان چگونه رفتار می‌کردند؟ این سوال را از این بابت می‌کنم که جناب‌عالی به ایشان بسیار نزدیک بودید؟

همه کسانی که شهید بهشتی را می‌شناسند می‌دانند که روزهای جمعه ایشان، کلاً به خانواده تعلق داشت و به هیچ وجه در این روز کسی را به ملاقات نمی‌پذیرفتند و یا به مسئله‌ای غیر از مسائل خانوادگی، رسیدگی نمی‌کردند. برخورد ایشان با فرزندان‌شان و عموماً نسل جوان همراه با محبت و احترام فوق‌العاده‌ای بود.

□ کدام ویژگی‌های ایشان از نظر شما برجسته‌تر هستند؟

مدیر و مدبر بودن‌شان. وقتی مشکلی در اداره امور پیش می‌آمد، با دقت، صبر و حوصله زیاد وقت می‌گذاشتند و تا حصول نتیجه از پای نمی‌نشستند.

□ شما هم با شهید بهشتی و هم با دکتر شریعتی ارتباط داشتید. در آن دوران نسبت به دکتر شریعتی و آثار او دو رویکرد کاملاً متضاد وجود داشت. برخورد شهید بهشتی چگونه بود؟

دردوران محکومیت دکتر شریعتی روزنامه کیهان یک سری مقاله از دکتر چاپ و نگاه بسیاری از مبارزان را نسبت به ایشان منفی کرد! پس از آزادی او از زندان، یک روز در منزل ما، از دکتر شریعتی در مورد این مقاله‌ها سؤال کردند. دکتر به جای پاسخ، ضمن اشاره به داستانی از اباذر، شهادتین گفت! با این کار می‌خواست بگوید در اثر تبلیغات سوء علیه او، چنان بلایی بر سرش آمده است که ابتدا باید مسلمانی‌اش را اثبات کند!

اما در باره نگاه آقای بهشتی به او، به خاطره ای اشاره میکنم. بعد از انقلاب همراه ایشان، برای دیدار از خانواده دکتر شریعتی رفتیم. در میانه راه شهید بهشتی فرمودند: نقش دکتر شریعتی در این نهضت بسیار مهم است! ایشان توانست با سخنرانی‌هایش نسل جوان را به سوی مباحث اسلامی و انقلابی جذب کند، انصاف نیست زحمات ایشان نادیده گرفته شوند.

□ اعتصاب مطبوعات در پیروزی انقلاب اسلامی نقش برجسته‌ای داشت. نقش شهید بهشتی در این باره چه بود؟

همراهی ارباب جراید با انقلاب تا حد زیادی مرهون روشنگری‌های شهید بهشتی است. روزی که قرار بود اعتصاب مطبوعات شکسته شود، در منزل بنده جلسه‌ای با شرکت ارباب جراید، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتاح و چند تن دیگر از مبارزین تشکیل شد. در آن جلسه شهید بهشتی مبانی نظری انقلاب و نظام اسلامی را برای آنها تشریح کردند. آنها به شدت تحت تاثیر گفته‌های آقای بهشتی قرار گرفتند.

□ ماجرای مواجهه ابوالحسن بنی‌صدر با شهید بهشتی هم، یکی از فرازها مهم انقلاب اسلامی است. نظر شهید بهشتی راجع به او چه بود؟

شهید بهشتی از مدت‌ها قبل از انقلاب و از زمانی که در پاریس با او جلساتی را داشتند، ماهیت او را خوب می‌شناختند. وقتی هم که با آن تکبر حکم ریاست جمهوری‌اش را از امام گرفت، ما هم به ماهیت او پی بردیم!

□ نگاه ونحوه تعامل شهید بهشتی با مخالفان چه بود؟

در این باره خاطره‌ای را نقل می‌کنم. ایشان می‌فرمودند: در نوفل‌لوشاتو با مهندس بازرگان صحبت کردم. مواضع ایشان با امام فرق می‌کند و معتقد است شاه را باید نگه داریم، اما حرف‌هایش از سر دلسوزی است، ولی آقای سنجابی ظاهراً مواضع امام را قبول کرده است، در حالی که صداقت ندارد!

□ امام در مورد شهید بهشتی از تعبیر «مظلوم» استفاده کردند. تحلیل شما از این تعبیر چیست؟

در انقلاب اسلامی هیچ کس به اندازه شهید بهشتی زیر فشار ترور شخصیت نبود. این فشارها به قدری زیاد بود که حتی کسانی که سوابق دوستی طولانی با ایشان داشتند، به ایشان بدبین شده بودند! و این اوج مظلومیت ایشان را نشان می‌دهد. در همه جا شایع کرده بودند ایشان زندگی مجللی دارد و کاخ‌نشین است، در حالی که به هیچ وجه این گونه نبود.

□ به نظر شما علت این هجمه سنگین به شخصیت ایشان چه بود؟

دشمن به درستی تشخیص داده بود که پس از امام، هیچ کس به اندازه شهید بهشتی به لحاظ اجرایی قدرت اداره کشور را ندارد، به همین دلیل با تمام امکانات و قوا ایشان را مورد هجمه قرار داد. قدرت مدیریت درخشان شهید بهشتی در شورای انقلاب و مجلس خبرگان دشمن را به این نتیجه رساند که ایشان را به هر نحو ممکن از صحنه خارج کند و همین کار را هم کرد و حقیقتاً خسارت جبران‌ناپذیری به انقلاب زد.

تهمت‌هایی از قبیل سرمایه‌دار بودن و کاخ‌نشینی را بنی‌صدر و منافقین به ایشان می‌زدند، اما شهید بهشتی در مقابل این سیل بنیان‌کن تهمت‌ها فقط سکوت می‌کردند و می‌فرمودند: «باید به وظایفمان عمل کنیم! اگر بخواهیم وقت خود را صرف پاسخ‌گویی به این مسائل کنیم، انقلاب صدمه می‌خورد، کارهای زیادی روی زمین مانده‌اند که باید انجام شوند. برای واکنش نشان دادن به این حرف‌ها فرصت نیست».

□ و پرسش آخر اینکه به نظر شما، چرادر ماههای آغازین پیروزی انقلاب، از گروه‌هایی مثل جبهه ملی و نهضت آزادی برای اداره حکومت استفاده می‌شد؟

امام معتقد بودند همه گروه‌هایی که در انقلاب همکاری کرده‌اند، باید در اداره کشور حضور داشته باشند. البته در مورد نهضت

آزادی توصیه‌های شهید بهشتی و شهید مطهری بسیار مؤثر بود. این دو بزرگوار از سال‌ها قبل با سران نهضت آزادی ارتباط داشتند و سردمداران آن را به‌خوبی می‌شناختند، اما بعداً متأسفانه این جریان راه خود را از امام و انقلاب جدا کرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۷۵۸/ندارم-شایعات-دادن-پاسخ-فرصتی-گفت-می-بهشتی>